



۲۰۱۶/۱۲/۳۱



حامد نوید

نگاهی به سیر تاریخی زبان دری به استناد آثار خطی افغانستان و کشورهای همجوار

بخش چهارم

پس منظر تاریخی زبانهای هند و آریایی غربی:

به اساس یادداشتهای هرودوتس پاسارگادها (پارس ها) در قرن ششم پیش از میلاد شالوده حکومتی را در شمال خلیج فارس و شرق رود دجله اساس گذاشتند که در عهد کورش هخامنشی (در حوالی ۵۵۰ ق. م.) به دولت نیرومندی مبدل شد. پیش از ایجاد دولت هخامنشی عیلامی ها در شهر شوش حکومت میکردند که فرهنگ مشابهی با اکادها و مردمان بابل داشتند و زبان شان از دسته بندی زبان های سامی به شمار میرفت. زبان شناسان آغاز زبان پارسی نوشتاری را در ایران، قرن چهارم ق. م میدانند زیرا در کتیبه کوروش که در ۴۵ سطر به زبان بابلی نگاشته شده واژه های فارسی وجود ندارد. درین سنگنبشته که به خط آرامی میخی تحریر یافته و به نام استوانه کورش مشهور است، از کلمه فارس و یا ایران ذکری نیست، بلکه این شاه هخامنشی خود را به نام پادشاه جهان و فرمانروای توانمند «بابل» (با ء بی ء لیم)، «سومر» (شوء مـ ء ری) و «آگد» یاد کرده است. نخستین نمونه زبان فارسی در کتیبه بیستون نگارش یافته که به نام سنگ نبشته داریوش مشهور است. درین کتیبه نیز زبان بابلی مسلط است و در حدود بیست فیصد آن به زبان پارسی آمیخته با کُردی نگارش یافته. تاریخ نگاران این زبان را به نام «فارسی باستان» یاد می کنند که از نگاه ساختار واژه ها و دستور زبان به قول زبانشناس معروف ایران دکتر ژاله آموزگار از پهلوی اشکانی تفاوت کلی داشته است. چنانچه قبلاً گفتیم زبان پهلوی از باختر توسط پارت ها به شمال ایران آمد، که برخی این زبان را به نام زبان پارتی نیز یاد می کنند. این موضوع باعث آن گردیده تا ابهاماتی میان کلمات پارتی و پارسی پدید آید، در حالیکه پارسی زبان پارسه قدیم بود نه زبان پارت های مستقر در پرتوه.

در قرن سوم میلادی هنوز بقایای پارسی عصر هخامنشی در تیسفون پایتخت ساسانی ها موجود بود، اما زبان پهلوی که زبان اوستایی بود بر آن اثر گذاشت. از این رو زبان این دوره به نام پهلوی ساسانی یاد می گردد. در سده های ما بعدی در اثر تماس های بازرگانی، حملات شاهان ساسانی بر قلمرو کوشانی ها و حملات متقابل یفتلی ها بر قلمرو ساسانیان و تسخیر تیسفون پایتخت ساسانی ها توسط اخشنوار شاه یفتلی زبان باختری در دربار شاهان ساسانی رایج

شد و برخی کلمات فارسی قدیم نیز به باختر آمد که در نتیجه دری را به خاطر سلاست و روانی آن زبان دریاری، نوشتاری و دبیری خواندند.

در اشعار شعرای متقدم از قرن دهم تا پانزدهم میلادی هم به اصطلاح دری و هم به اصطلاح زبان فارسی و زبان پهلوی بر میخوریم که موجودیت این زبان ها را در طی زمانه ها ابراز میدارد، مانند این ابیات:

خاصه آن بنده کا ماننده من بنده بود مدح گوینده و داننده به الفاظ دری
(فرخی)

بسی رنج بردم درین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی
بفرمود تا پارسی دری نوشتند و کوتاه شد داوری
یکی تازه کن قصه زردهشت به نظم دری و به خط درشت
(فردوسی)

مگر به فضل تو نیکو شده معانی خیر و یا به لفظ تو شیرین شده زبان دری
(عنصری)

شکرالله که ترا یافتم ای بحر سخا ز توصلت زمن اشعار به الفاظ دری
(سنایی)

روزیست خوش و هوا نه گرم است و نه سرد ابر از از رخ گلزار همی شوید گرد
بلبل به زبان پهلوی با گل زرد فریاد همی زند که می باید خورد
(عمر خیام)

نظامی که نظم دری کار اوست دری نظم کردن سزاوار اوست
(نظامی)

من آنم که در پای خوکان نریزم مر این قیمتی دُر لفظ دری را
(ناصر خسرو)

هزار بلبل داستان سرای عاشق را بیاید از تو سخن گفتن دری آموخت
(سعدی)

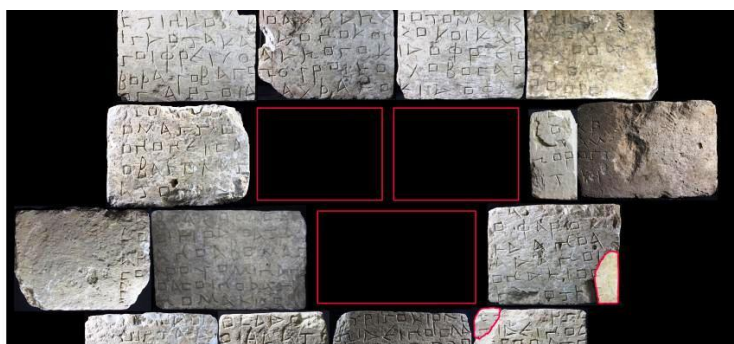
ز شعر دلکش حافظ کسی شود آگاه که لطف طبع و سخن گفتن دری داند
(حافظ)

با ظهور دین اسلام در قرن هفتم میلادی تغییرات ژرفی در شمال آفریقا، آسیای میانه، فارس، خراسان، سیستان، شمال نیمقاره هند، و آسیای مرکزی (ماورا النهر) پدید آمد که بالای عقاید، رسوم، زبان و مظاهر فرهنگی باشندگان

این خطه بزرگ تأثیر بزرگی داشت. در عهد خلافت امویان کوشیده شد تا زبان عربی منحصیث زبان رسمی در سراسر جهان اسلام تعمیم گردیده و الفبای عربی جای رسم الخط های باستانی را بگیرد. ولی با آنهم زبان های کهن کاملاً از بین نرفتند. در عهد زمامداری خلفای عباسی، بخصوص پس از اقتدار یافتن برمکیان برخاسته از بلخ در دربار هارون الرشید زبان و مظاهر فرهنگی ملل دیگر مورد توجه قرار گرفت. در اخیر قرن هشتم و آغاز سده نهم میلادی دولت های مستقلی در خراسان و ماورالنهر مانند طاهریان هرات، صفاریان، سامانیان و غزنویان ظهور نمودند. در این دوره شعر و ادب در خراسان و ماورالنهر به درخشش آغاز کرد و سبک ادبی خراسانی به میان آمد. برخی گویندگان زبان این عصر را فارسی گفته اند و عده ای از شعراء زبان ادبی خود را دری خوانده اند، اما در این وقت زبان شناسی منحصیث یک علم مطرح نبود تا موضوع از نگاه علمی ریشه یابی گردد و سیر تکامل تاریخی هر دو اصطلاح با مراجعه به اسناد باستانی مورد مطالعه قرار گیرد. عده ای زبان دری را چون برخاسته از دره های بدخشان و تخار می پنداشتند زبان دره ها یاد کردند و برخی با استناد به یادداشت های جهان گردان چینی که به زیارت بودا های بامیان می آمدند این زبان را به نام زبان دهاری یاد کردند، زیرا تخارستان قدیم به نام دهار یاد می شد، اما کاوش های باستان شناسی و مطالعات علمی پرده از روی بسی ابهامات تاریخی برداشت.

کتیبه های سرخ کوتل و رباطک معتبرترین منابع شناخت «زبان دری باختری»

در دهه شست کتیبه معروف سرخ کوتل از ولایت بغلان توسط شلوم برژی Schlumberger باستان شناس معروف فرانسوی از یک معبد باستانی عصر کوشانی کشف شد و مورد مطالعه زبان شناسان قرار گرفت. از قرار معلوم بر فراز معبد سرخ کوتل به امر کانیشکا نهر آبی حفر گردیده بوده که از چشمه ای آب می خورده و آتشکده نوشاد را سیراب می نموده است. مردمان محل این چشمه را به نام «چشمه شیر» و همچنان «سرچشمه» یاد می کنند، اما از سنگ نوشته معرف سرخ کوتل چنین بر می آید که این چشمه پس از چند گاهی خشک گردیده و از این رو کانیشکا امر به حفر چاهی داده تا آتشکده بدون آب نماند. باستان شناسان در پای تپه چاهی را کشف نمودند که دیوار های آن با دقت خاصی سنگ کاری شده و مطابق به مشخصاتی می باشد که در کتیبه معروف سرخ کوتل آمده است. بر علاوه از داخل چاه ۵۲ پارچه سنگی بدست آمد که در دیوار های چاه جابجا گردیده و مطالبی برسم الخط یونانی بر آن حک گردیده بود. زمانیکه محققین این پارچه های سنگ را در کنار هم گذاشتند عین مطلبی ذکر یافته در کتیبه اول درین کتیبه نیز خوانده می شد. چون این سنگ نیشته برای مدت های درازی در زیر آب قرار داشته مانند کتیبه اول خوانا



نیست، اما عین مطلب را بدون کم و کاست ابراز میدارد. اینکه چرا این مطلب به صورت پراکنده در سنگ کاری دیوارهای چاه عمیقی با دقت بافت گردیده از زمره اسرار تاریخ است. در حالیکه انگیزه اصلی این عمل را نمی دانیم ولی صائب ترین حدس برین است

که شاید معماران معبد به این فکر بوده اند تا در صورت از بین رفتن احتمالی کتیبه اولی رونوشتی از آن در داخل چاه وجود داشته باشد. سنگ نیشته سرخ کوتل در ۱۵ و ۱۲۳ کلمه به زبان «باختری کوشانی مادر زبان دری

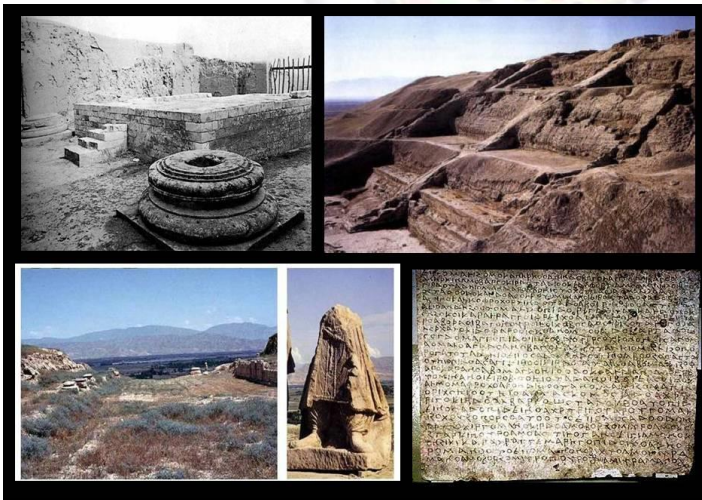
امروزی» با الفبای یونانی (که پس از لشکر کشی های اسکندر در خاور زمین معمول گشت) نگاشته شده و گذشته های تاریخی این نیایشگاه با شکوه را شرح می دارد:

سنگ های نگاشته شده در دیوار چاه نیایشگاه

"جهاندار توانا شاه شاهان کنیشکو Kanesko (کانیشکا) در سال ... با افسران خود در این جا آمد و این نیایشگاه و دژ آن به دستور او آباد شد. کار این دژ و پلگان آن در چهار سال به پایان رسید. این نیایشگاه تحفه ایست از جانب کونیشکو برای اونیندو (الهه ظفر) که در رو بروی نیایشگاه نگاشته شد؛ همچنان نهر مقدسی به امر او ساخته شد که از آب خدایان سرچشمه می گرفت، ولی پس از چندگاهی وقتی خدایان خواستند از اینجا رو برگرداندند آب نهر خشکید. سپس زمانی که نیکونزوکو Nokonzoko معتمد و خادم وفادار شاه، در ماه نیسان سال ۳۱ پادشاهی کونیشکو (کانیشکا) پسر آفتاب، مالک مهربان و پاک نهاد به اینجا آمد چاهی ساخت سنگ کاری شده تا آب پاک دوباره عبادتگاه را سیراب کند و خدایان بار دیگر به اینجا برگردند. "

این متن را مرحوم احمد علی کهزاد مؤرخ بزرگ افغانستان از فرانسوی به دری ترجمه نموده و شاد روان پوهاند عبدالحی حبیبی شرح دقیقی در مورد کتیبه از نگاه ریشه یابی و ساختار کلمات نگاشته و همچنان تأثیرات زبان پهلوی و سغدی را بر زبان باختری عصر کوشانی بررسی نموده است که رساله ایست بس علمی و تحقیقی. مطالعه تحقیق مرحوم پوهاند حبیبی در مورد کتیبه سرخ کوتل تحت عنوان "زبان دوهزار ساله افغانستان" به زبان انگلیسی برای دانستن کامل متن توصیه میگردد.^۱

در کتیبه سرخ کوتل این معبد به نام Kanēško oanindo bagolango کنیشو اونیندو بگولنگو یعنی معبد پیروزی کنیشکا در بغلان آمده است. برعلاوه نام نیکوزوکو والی (بغلان) سیرگومانو Xirgomano دستیار وی و مهرمانو Mihramano طراح و معمار چاه و همچنان نام Eiiomano ایومانو و مهرمانو فرزند بزومهر و Bozomihro نویسندگان این کتیبه آمده است، که



همه از مردمان سرزمین آریانا بوده و نام های شان به اسمای چینی، هندی، یونانی و رومن شباهتی ندارد. بگولنگو را برخی از زبان شناسان به معنی تصویر بدیع ترجمه کرده اند. اینکه چگونه کلماتی مانند اوبو به آب، اوتو به آتش، وادو به باد، کنیشکو به کنیشکا، بگولنگو به بغلان، مهرمانو به مهربان و بزومهر و به بزرگ مهر از زبان (دری باختری) به دری میانه تبدیل شده بحثی است مربوط به علم اتومالوجی Etymology یا دانش ریشه یابی واژه ها و تغییر خوردن تلفظ و املاي آن در طول زمانه ها که مورد بررسی زبان شناسان قرار می گیرد.

نمایی از کوتل شکوهمند سرخ کوتل، مجسمه کانیشکا و کتیبه تاریخی آن

پس از کتیبه سرخ کوتل کشف سنگ نیبشته رباطک معتبر ترین سند تاریخی از نگاه زبان شناسی در مورد شکلگیری زبان دری و سیر انکشافی که وضاحت بیشتری بر موضوع می افزاید.

^۱The Two Thousand Years Old Language of Afghanistan L. W. Adamec, *Gazetteer of Afghanistan I*, Graz, ۱۹۷۲, pp. ۴۰-۴۸

معبد نانه و کتیبه رباطک

شاید باستان شناسانی که از بغلان به شهر مزارشریف از طریق سمگان در حال تردد بوده اند توجه زیادی به تپه بلند خاکی کنار جاده نکرده و متوجه نگردیده بودند که خاک توده بزرگ کوتل رباطک معبد بزرگ نانه در عهد پادشاهی کانیسکا بوده و کتیبه مهمی در قلب آن جا داشته است. گرچه قبلاً کوتل رباطک منحیث یکی از مناطق مطالعات باستان شناسی نشانی گردیده بود ولی در سال ۱۹۹۳ هنگامی که جنگ های تنظیمی در افغانستان اوج گرفت، قبل از آنکه دست باستان شناسان به آن برسد توسط قاچاقبران آثار تاریخی به کمک قوماندانان محلی به شکل ناشیانه و با استفاده از تراکتور مورد تاراج قرار گرفت. در جریان این حفريات غير قانونی و غیر فنی تعدادی پیکره های باستانی و سنگ نوشته بدست آمد که مورد توجه یکی از کارکنان انگلیسی الاصل بنیاد ماین پاکي هالوترست Halo Trust demining organization قرار گرفت. وی ویدیو و عکس هایی از این کتیبه برداشت و به موزیم برتانیه در لندن فرستاد. نخستین کسی که از روی عکس ها قدامت تاریخی این کتیبه را با شناختن نام کانیسکا تعیین کرد سکه شناسی به نام جوکریب Joe Cribb بود. مطالعات ژرفتر در مورد کتیبه رباطک توسط پروفیسور ویلیام سیمز صورت گرفت که تا سال ۱۹۹۵ به پایه تکمیل رسید. کتیبه رباطک اکنون در موزیم کابل قرار دارد و منحیث یکی از معتبر ترین اسناد تاریخی، بخصوص در بخش زبان شناسی از زمره سرمایه های گران بهای ملی افغانستان به شمار میرود. نخستین کسی که سنگ نبشته رباطک را از زبان آری کهن به انگلیسی برگرداند، نیکولاس ویلیام سیمز استاد زبان شناسی یونیورستی لندن بود. همچنان جی مکر جی پروفیسور زبان شناسی یونیورستی کلکته آنرا به انگلیسی ترجمه کرد^۲ که هر دو ترجمه عین مطلب را بیان می دارد. کتیبه رباطک سند گویایی است که در ۲۳ سطر به زبان (آریا) (Arya = $\alpha\rho\iota\alpha$)، آری نظر به مندرجات کتیبه با الفبای یونانی نگاشته شده.

پایان بخش چهارم

ادامه دارد

^۲ The Indian Museum Bulletin, of Calcutta by Professor Mukherjee, University of Calcutta in ۱۹۹۵ titled as "The Great Kushana Testament"